



زنانی که قربانی داعشیان می شوند

این روزها با افزایش حملات در فلوچه و جنگی که علیه داعشیان در آن منطقه درگرفته است، نقش زنان فرمانده در نیروهای مقابل داعشیان بیش از هر زمانی به چشم می آید. هرچند این افراد پس از رسیدن به مرزهای کشور خود درگیر مسائل امنیتی می شوند. «جوآنا پلانی»، فقط ۲۲ سال داشت وقتی تصمیم گرفت درس و دانشگاه را برای پیوستن به نیروهای مبارزه با داعش رها کند. او در مصاحبه با «بردلی ویس»، نشریه‌ای چاپ کپنهاگ، از خاطرات مبارزه با داعش صحبت کرده است. او تنها یکی از ۲۷ هزار نفری است که از ۸۱ کشور مختلف جهان به عراق و سوریه مهاجرت کرده‌اند تا در مقابل خلیفه خودخوانده و حکومتش بایستند. از این میان ۷۵۰ نفر زنان جوان اروپایی هستند که تعداد اندکی از آنها موفق به برگشت به خانه می شوند. جوآنا که در کپنهاگ فلسفه سیاسی می‌خواند، یک کرد ایرانی است که

در سال ۱۹۹۳ در کمپی در عراق به دنیا آمد. خانواده او در جریان جنگ خلیج به عراق رانده شدند و وقتی او نوزاد بود، به دانمارک مهاجرت کردند. او قبل از پیوستن به نیروهای پیشمرکه، زندگی عادی‌ای در کنار خانواده‌اش در دانمارک داشت و به علاقه‌اش که مطالعه و تیراندازی بود، می‌پرداخت. اما در چهاردهم نوامبر ۲۰۱۴ به عراق رفت که درباره آن می‌گوید: «من مدت کمی در عراق بودم و سپس به کردستان سوریه رفتم و در حال مبارزه‌ام». اولین شب حضور در خط مقدم، شب طولانی و سختی برای جوآنا بود. جوآنا تعریف می‌کند: «در یک باترول با یک جنگجوی سوندی مشغول گشت‌زدن بودیم که توسط یک تک‌تیرانداز مورد حمله قرار گرفتیم. تک‌تیرانداز دود سیگار هم‌رمز من را دیده بود و به همین خاطر گلوله‌ای وسط پیشانی‌اش نشاند. یونیفورم جدیدم غرق در خون شد و من تنها شعله‌های در حال خاموشی سیگار را تماشا می‌کردم». اما جوآنا خیلی زود دوران تازه‌کاری را پشت‌سر گذاشت. او دبلیش را این‌طور توضیح می‌دهد: «خیلی زود کشف کردم که استعداد عجیبی در تشخیص بهترین زمان تیراندازی دارم. همین‌طور می‌توانستم تشخیص دهم که بهترین زمان برای ساکت‌ماندن و پنهان‌شدن، چه

جوآنا پلانی، فرمانده نیروهای پیشمرکه، در کنار خانواده‌اش در دانمارک. او قبلاً به علاقه‌اش به مطالعه و تیراندازی می‌پرداخت. اما در چهاردهم نوامبر ۲۰۱۴ به عراق رفت که درباره آن می‌گوید: «من مدت کمی در عراق بودم و سپس به کردستان سوریه رفتم و در حال مبارزه‌ام».

شاید اگر «مریل استرپ»، بازیگر سرشناس هالیوودی، آن نامه جنجالی درباره دستمزد برابر زن‌ان و مردان را نمی‌نوشت، هیچ‌وقت مسئله تبعیض جنسیتی در پرداخت حقوق و دستمزد برای مردم جهان تا این اندازه که امروز جدی شده است، مهم تلقی نمی‌شد. اما اکنون دیگر در کمتر محفلی هست که حرف از حقوق برابر زن و مرد به میان آید و رفع نابرابری در پرداخت حقوق و دستمزد هم به‌عنوان یکی از خواسته‌های زنان مطرح نشود. با وجود این، هنوز هم هستند کسانی که با این گزاره که «بین زنان و مردان تفاوتی در میزان دریاقتی‌شان در یک شغل برابر وجود دارد»، مخالفند. به همین دلیل مؤسسات بسیاری در سرتاسر جهان دست به کار شده‌اند تا با آمار و ارقام ثابت کند چنین تبعیضی در محیط کار به زنان رومی‌شود؛ تبعیضی که مانند سایر نابرابری‌ها برای زنان آسیب‌زاست.

یکی از این مؤسسات مرکز ملی حقوق زنان در آمریکااست (National Women's Law Center). این مرکز تحقیقات گسترده‌ای در سرتاسر آمریکا انجام داده که نشان می‌دهد آنچه با عنوان «شکاف حقوق و دستمزد» بین زنان و مردان نامیده می‌شود، واقعاً وجود دارد و چیزی زاییده تخیل فمینیست‌ها نیست. براساس تحقیقات این مرکز، در حال حاضر در آمریکا اگر یک شغل برابر را در نظر بگیریم، کارفرمایان چنانچه زنی را استخدام کنند در ازای یک ساعت کار ۷۹۰ سنت و اگر یک مرد را استخدام کنند در ازای یک ساعت کار به او یک دلار خواهند پرداخت. اگر بخواهیم با ادبیات خود این مؤسسه صحبت کنیم، باید بگوییم: «زنان به‌طور معمول ۷۹۰ سنت از یک دلاری را که مردان برای یک شغل می‌گیرند، دریافت می‌کنند». داده‌های این مؤسسه همچنین نشان می‌دهد این شکاف حقوق و دستمزد از سال‌ها پیش وجود داشته و با وجود تلاش‌های بسیاری که در



آزادی، جنگ و دیگر هیچ

رقه، مرکز حکومت اسلامی شام و عراق به سرکردگی ابوبکر البغدادی، این روزها به‌وسیله یک زن کُرد تهدید می‌شود. «روژا فلات»، فرمانده کُرد ۳۰ساله همان زنی است که عملیات آزادسازی رقه به فرماندهی او انجام می‌گیرد. او سه‌سال تمام است که با داعش در عراق و سوریه مبارزه می‌کند. او فرمانده ۱۵هزار مبارز کُرد و عرب است که با حمایت نیروهای ویژه ایالات متحده و هوایمهای ائتلاف نیروهای دموکراتیک سوریه حمله به مواضع داعش را انجام می‌دهند. او در گفت‌وگویی که با «تایمز» انجام داده، گفته است: «هدف من در ابتدا آزادسازی زنان کُرد و به‌طورکلی زنان سوریه از قیدوندهای جوامع سنتی است. اگرچه هم‌زمان دوست دارم سوریه را نیز از تروریسم آزاد کنم». او همچنین تأکید کرده از زنان کُردی که در کوبانی علیه داعش مبارزه کرده‌اند، الهام می‌گیرد. یکی از این زنان «آرین مارکین» است. او در جریان نبرد خونینی

که در سال ۲۰۱۴ در کوبانی بین نیروهای کُرد و داعش درگرفت، در رویارویی با نیروهای داعش، نارنجک به خود بست تا به دست آنها اسیر نشود. روژا همچنین فرمانده نیروهایی بود که در شهر الشدادی مبارزه می‌کردند و عملیاتی که برای آزادسازی این شهر انجام داد، «خشم خابور» نام گرفت. آزادسازی این شهر که یکی از مسی‌رهای استراتژیک داعش محسوب می‌شد و موصل را به رقه وصل می‌کند، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار بود. علاوه‌براین الشدادی شهری است که زنان و دختران ایزدی در آن به فروش می‌رسیدند و آزادسازی این شهر به معنی آزادکردن ده‌ها زن و دختری بود که توسط داعش در سنجنار در سال ۲۰۱۴ اسیر شده و به این شهر آورده شده بودند. سرنوشت زنان و دختران سوری آن‌قدر برای روژا اهمیت پیدا کرده که گویا دیگر سرنوشت خودش به‌تهنایی برایش مهم نیست. چراکه وقتی از او سؤال می‌شود آیا ازدواج کرده، این‌طور از دادن پاسخ طفره می‌رود: «همه خانواده‌های سوری، خانواده من هستند. به هر شهری که می‌رسیم، خانواده‌هایی را می‌بینم که آغوششان با عشق به روی من باز است». اگرچه در این زمینه یک فرض دیگر هم مطرح است. به نظر می‌رسد روژا نیز

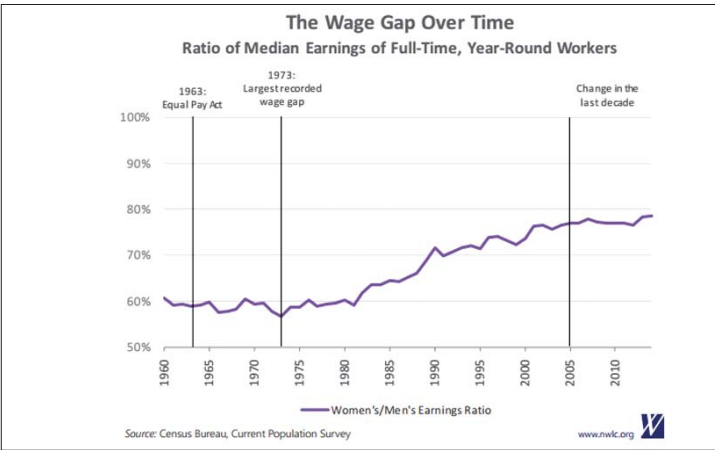
روژا فلات در گفت‌وگویی که با «تایمز» انجام داده، گفته است: «هدف من در ابتدا آزادسازی زنان کُرد و به‌طورکلی زنان سوریه از قیدوندهای جوامع سنتی است. اگرچه هم‌زمان دوست دارم سوریه

نیروهایی بود که در شهر الشدادی مبارزه می‌کردند و عملیاتی که برای آزادسازی این شهر انجام داد، «خشم خابور» نام گرفت. آزادسازی این شهر که یکی از مسی‌رهای استراتژیک داعش محسوب می‌شد و موصل را به رقه وصل می‌کند، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار بود. علاوه‌براین الشدادی شهری است که زنان و دختران ایزدی در آن به فروش می‌رسیدند و آزادسازی این شهر به معنی آزادکردن ده‌ها زن و دختری بود که توسط داعش در سنجنار در سال ۲۰۱۴ اسیر شده و به این شهر آورده شده بودند. سرنوشت زنان و دختران سوری آن‌قدر برای روژا اهمیت پیدا کرده که گویا دیگر سرنوشت خودش به‌تهنایی برایش مهم نیست. چراکه وقتی از او سؤال می‌شود آیا ازدواج کرده، این‌طور از دادن پاسخ طفره می‌رود: «همه خانواده‌های سوری، خانواده من هستند. به هر شهری که می‌رسیم، خانواده‌هایی را می‌بینم که آغوششان با عشق به روی من باز است». اگرچه در این زمینه یک فرض دیگر هم مطرح است. به نظر می‌رسد روژا نیز

درباره دغدغه‌ای به اسم دستمزد برابر

در زمینه رفع نابرابری‌های اقتصادی در آمریکا و سایر کشورهای جهان صورت گرفته، مسئله رفع تبعیض در زمینه پرداخت‌ها به زنان چندان پیشرفت قابل توجهی نداشته است. براساس تحقیقات مرکز ملی حقوق زنان، در ابتدای دهه ۶۰ میلادی که آغاز جنبش‌های حقوق زنان در آمریکاست، زنان در یک شغل یکسان با مردان در ازای یک دلاری که هر مرد دریافت می‌کرد، ۵۹ سنت دریافت می‌کردند. درواقع فاصله بین دستمزد زنان با مردان در سال‌های ابتدایی دهه ۶۰، ۱۹۶۰، ۴۱ سنت بوده است. این عدد برای امروز ۲۱ سنت است، یعنی در طول بیش از نیم قرن شکاف حقوق و دستمزد در آمریکا فقط ۲۰ سنت کاهش پیدا کرده و همچنان پابرجاست. این مؤسسه همچنین می‌گوید وضعیت زنان رنگین‌پوست در این زمینه در آمریکا بدتر است. به‌طوری‌که اگر فرض کنیم هر زن سفیدپوست آمریکایی ۴۰ سال به‌طور مفید قرار است کار کند، با شکاف حقوق و دستمزد موجود در طول این مدت ۴۳۰هزارو ۴۸ دلار کمتر از مردان

در دست خواهد آورد. این در حالی است که با شکاف موجود یک زن رنگین‌پوست در آمریکا در طول مدت مشابه بیش از یک میلیون دلار کمتر نسبت به مرد رنگین‌پوست آمریکایی پول خواهد گرفت. اما این همه ماجرا نیست. به‌تازگی روزنامه آمریکایی «وال استریت ژورنال» تحقیقی را به انجام رسانده که نشان می‌دهد شکاف جنسیتی در زمینه پرداخت حقوق و دستمزد‌ها نه‌فقط در همه آمریکا وجود دارد، بلکه با وجود اینکه ممکن است بعضی‌ها فکر کنند این شکاف جنسیتی با تحصیلات عالی و گرفتن مشاغل سطح بالا توسط خانم‌ها پر خواهد شد، این اتفاق در آمریکا رخ نمی‌دهد و اتفاقاً شکاف جنسیتی‌موجود در میان مشاغلی که به «یقه‌سفید» معروف هستند، بسیار عمیق‌تر است. این روزنامه ۴۴۶ شغل متفاوت ازجمله پزشکی، نویسندگی، مدیریت مالی و… را بررسی کرده و نشان داده است در برخی از این مشاغل تفاوت در پرداخت‌ها به‌شدت تبعیض‌آمیز است. برای مثال،



زاویه



یک مفهوم

بازیگران و فوتبالبست‌ها علیه تبعیض

یکی از گروه‌هایی که در سال‌های اخیر توانسته‌اند علیه شکاف جنسیتی در حقوق و دستمزد فعالیت‌های فراوانی انجام دهند و توجه دنیا را به این موضوع جلب کنند، ستارگان دنیای هنر و فوتبال هستند. سال ۲۰۱۴ زمانی که «پاتریشیا آرکت»، بازیگر هالیوود و برنده اسکار بهترین بازیگر مکمل زن، برای دریافت جایزه‌اش روی سن رفت، به‌جای صحبت‌های معمول، از نابرابری‌ای گفت که در هالیوود در زمینه پرداخت دستمزد به بازیگران زن وجود دارد. او جبرانی را شروع کرد که اندکی بعد مریل استرپ و «جنیفر لوارنس»، بازیگر مجموعه فیلم‌های «بازی‌های عطش»، به آن پیوستند. اما تازه‌ترین چهره‌ای که به مدافعان حقوق و دستمزد برابر برای زنان ملحق شده است، «رابین رایت»، بازیگر سریال پر مخاطب «خانه پوشالی»، است. رایت که نقش اول زن این مجموعه تلویزیونی را برعهده دارد، مدعی شده است دستمزد او از دستمزد «کوین اسپسی» که نقش اول مرد این سریال را بازی می‌کند، پایین‌تر است. رایت پس از اعلام این خبر درخواست حقوقی برابر با اسپسی کرده و تهدید کرده است در صورت پرداخت‌نشدن حقوقش، از مجموعه عوامل این سریال جدا خواهد شد. رایت همچنین در مصاحبه‌ای که در این زمینه انجام داده، به مادرشدن اشاره کرده و گفته است چگونه وقتی صاحب فرزند می‌شوید، سینما شما را کنار می‌گذارد. همسر سابق «شون پن»، بازیگر هالیوود و مادر دو فرزند در این مصاحبه گفته است: «فرصت ایجاد رابطه با دیگران برای به دست‌آوردن شغل‌های بهتر، زمانی که شما مادر می‌شوید، از دست می‌رود. پس از اینکه مادر شدید، به فهرست B منتقل می‌شوید، یعنی فهرست بازیگران دست دوم. یکی دیگر از گروه‌هایی که نقش مهمی در این زمینه داشته‌اند، فوتبالبست‌های زن آمریک‌ا بوده‌اند. مارس اسالمانی‌بود که پنج عضو تیم‌ملی فوتبال زنان آمریکا شکایتی را علیه فدراسیون فوتبال این کشور تنظیم کردند و در آن از وجود شکاف جنسیتی در زمینه حقوق و دستمزد بازیکنان زن در آمریکا پرده برداشتند. تیم‌ملی زنان فوتبالبست آمریکا که ازای به‌دست آوردن جام‌جهانی فوتبال زنان در ونکوور در سال ۲۰۱۵، دومیلیون دلار دریافت کردند. اما تیم‌ملی مردان فوتبالبست این کشور که به جام‌جهانی ۲۰۱۴ در برزیل نوانست نتایج درخور تاملی کسب کنند، فقط برای شرکت در این مسابقات ۹میلیون دلار دریافت کرده بود. این شکایت با حمایت نمایندگان دموکرات سنا همراه و منجر به تصویب قانونی در این کشور شد که فدراسیون فوتبال آمریکا را مجبور می‌کند در زمینه دریافت دستمزد برابر توسط بازیکنان زن اقدامات لازم را انجام دهد. «پتی مورفی»، سناتور ایالت واشنگتن در سناای ایالات متحده آمریکا، ازجمله کسانی بود که برای تصویب این قانون تلاش می‌کرد. او دراین‌باره گفته است: «خیلی خوشحالم که همکارانم در سنا با تصویب این قانون موافقت کردند. این خبری خوشحال‌کننده برای همه زنان آمریکایی است. لازم است تذکر دهم وقتی از شکاف جنسیتی در زمینه حقوق و دستمزد صحبت می‌کنیم یا وقتی خواهان نابرابری در پرداخت‌ها هستیم، مسئله‌مان فقط پول نیست، بلکه موضوع مهم‌تر پیامی است که رفع این نابرابری‌ها برای همه زنان و دختران جهان دارد». او ادامه داده است: «اختلاف دستمزد بازیکنان زن و مرد تیم‌ملی فوتبال آمریکا، سبیل است از آنچه در سرتاسر‌کشور در حال روی‌دادن است. در حال حاضر زنان در یک شغل برابر با مردان ۴۱ سنت کمتر از آنها دریافت می‌کنند. این اتفاق نه‌فقط عادلانه نیست، بلکه به خانواده‌ها آسیب می‌زند. این مسئله حتی اقتصاد کشور را نیز متضرر خواهد کرد. من امیدوارم همکاران جمهوری‌خواه من برای همه زنان و دختران جهان «اختلاف» او ادامه داده است: «اختلاف دستمزد بازیکنان زن و مرد تیم‌ملی فوتبال آمریکا، سبیل است از آنچه در سرتاسر‌کشور در حال روی‌دادن است. در حال حاضر زنان در یک شغل برابر با مردان ۴۱ سنت کمتر از آنها دریافت می‌کنند. این اتفاق نه‌فقط عادلانه نیست، بلکه به خانواده‌ها آسیب می‌زند. این مسئله حتی اقتصاد کشور را نیز متضرر خواهد کرد. من امیدوارم همکاران جمهوری‌خواه من برای همه زنان و دختران جهان «اختلاف» او ادامه داده است: «اختلاف دستمزد بازیکنان زن و مرد تیم‌ملی فوتبال آمریکا، سبیل است از آنچه در سرتاسر‌کشور در حال روی‌دادن است. در حال حاضر زنان در یک شغل برابر با مردان ۴۱ درصد کمتر از مردان است. بر پایه اطلاعات این نهاد بین‌المللی، ایران در رده‌بندی جهانی از این نظر بالاتر از اسپانیا، اتریش، فرانسه و ایتالیا، در رتبه ۹۸ قرار گرفته بود.

نگاه

تجربه‌های زنانه از تبعیض

اگرچه آمار و ارقام فراوانی از سوی مؤسسات مختلف در زمینه شکاف جنسیتی حقوق و دستمزد ارائه شده است، اما هستند کسانی که به مواردی اشاره می‌کنند که زنان شاغل دریافتی‌شان بیشتر از همکاران مرد است. به همین دلیل بود که روزنامه وال‌استریت ژورنال به انجام یک نظرسنجی عمومی زد. اگرچه این روزنامه پیش از این، دست به تحقیقی زده بود که نتایج آن نابرابری در پرداخت حقوق و دستمزد به زنان را تأیید می‌کرد، اما بدون هیچ پیش‌داوری از مخاطبان خواست که تجربه‌های نابرابری شغلی بگویند. در پی این نظرسنجی، ۸۰ نفر از نقاط مختلف جهان تجربیاتشان را در این زمینه با این روزنامه به اشتراک گذاشتند. برای مثال، «سوزان» که یک مهندس الکترونیک در آستین تگزاس است، برای این روزنامه نوشته: «من ۲۸ سال است که به‌عنوان یک مهندس الکترونیک در حال کار هستم و در همه این مدت مجبور بوده‌ام به اینکه مردم درباره‌ام چه فکر می‌کنند، خودم را بی‌اعتنا نشان دهم و سعی کنم تمرکزم را روی کارم از دست ندهم. بله، متأسفانه چنین تبعیض‌هایی علیه زنان در محیط کار هست و درباره شغل من باید بگویم این تبعیض از همان روزی که قرار است به مصاحبه شغلی بروید، اتفاق می‌افتد». درمقابل «کاترینا» که در کالیفرنای آمریکا وکالت می‌کند، تجربه متفاوتی دارد و معتقد است دستمزد پایین‌تر زنان عموماً نتیجه انتخابات‌های خود آنهاست. او تجربه‌اش را در این زمینه این‌گونه شرح داده است: «به‌عنوان یک زن هرگز شغلی نداشته‌ام که دستمزد کمتری نسبت به یک مرد در آن دریافت کنم. فکر می‌کنم اینکه زنان دستمزد کمتری دریافت می‌کنند، به این دلیل است که خود آنها به‌دلیل زن‌بودنشان مشاغلی را برمی‌گزینند که به‌طور طبیعی دستمزد کمتری دارد. مثلاً ترجیح می‌دهند ساعات کمتری کار کنند یا شغلی با امنیت بیشتر ولی حقوق کمتر داشته باشند». «مارین»، یک فعال اقتصادی زن در نیویورک، برای این روزنامه نوشته است: «جمله‌ای که خیلی از ما زنان می‌شنویم این است که خدا را شکر کن که شغلی داری و می‌توانی با آن کمک خرج خانواده‌ات باشی. راید در زمینه حقوق و دستمزد، خودت را با مردها مقایسه نکن. دنیای کار، دنیای مردانه است و قواعدش را نیز مردان تعیین می‌کنند». «آیا» که مدیر سرمایه‌گذاری در یک بانک است، نیز در این زمینه برای وال‌استریت ژورنال نوشته: «اگر به گذشته برگردم، به خود ۲۲ساله‌ام خواهم گفت: شجاع باش. از اینکه حرفت را بزنی اصلاً نترس. نترس از اینکه از رئیس‌ت خواهی که به تو پروژه‌های بزرگتری محول کند. نترس از اینکه از رئیس‌ت بخواهی حقوقت را بیشتر کند. از اینکه برای خودت یک شخصیت کاری بسازی، نترس». برخی از مخاطبان این روزنامه نیز از تأثیراتی که مادرانشان بر آنها گذاشته‌اند و باعث شده‌اند آنها از بیان اینکه نباید حقوق کمتری نسبت به مردان دریافت کنند، نترسند، سخن گفته‌اند. برای مثال، «آلی» از شیکاگو، برای وال‌استریت ژورنال نوشته است: «مادر من در دهه ۷۰ همه تلاش را کرد تا خودش را به مردان ثابت کند و بتواند کاری داشته باشد که شانس است. او همیشه به من می‌گفت کاری که من نتوانستم تمام کنم را تو باید تمام کنی. اکنون من توانستم با مشکل حقوق و دستمزد برابر فائق آیم». برخی دیگر از مخاطبان نیز معتقد بودند پیشبینی و حمایت دیگر همکاران از زنان برای دریافت حقوق برابر در این زمینه تأثیرگذار است. همچنین برخی نیز گفته بودند خواندن مقالات و کتاب‌های درباره شکاف جنسیتی در حقوق و دستمزد باعث شده آنها با این موضوع آشنا شوند و برای رفع آن تلاش کنند. البته نظرسنجی وال‌استریت ژورنال همچنان ادامه دارد و این روزنامه هر هفته تلاش می‌کند منتخبی از این تجربه‌ها را در اختیار خوانندگان خود قرار دهد.

نکته

آیا فمینیست هالیوودی شکست خورده است؟

این روزها فمینیست‌بودن در میان بازیگران هالیوود به یک مد تبدیل شده است. اما حرکت‌های اجتماعی برای تأثیرگذاربودن نیاز به استمرار دارند نه اینکه فقط در چند جشن درباره آنها صحبت شود. «اندی زسلر»، ستون‌نویس روزنامه «گاردین»، با این مقدمه می‌نویسد: «باید بین فمینیست هالیوودی و جنبش حقوق زنان تفاوت قائل شد. ساده‌ترین تفاوت این است که اولی درباره چند شخص به‌خصوص است و دومی کل جامعه را در بر می‌گیرد. درست است که فمینیست‌های هالیوودی باعث می‌شوند توجه به سمت مسائل حوزه زنان برگردانده شود، اما فراموش نکنیم فمینیست‌های هالیوودی خود درون سیستمی فعالیت می‌کنند که پر است از کلیشه‌های جنسیتی و واقعاً جقدر می‌توانند این کلیشه‌ها را زیر سؤال ببرند وقتی اساساً چرخ سینما را همین کلیشه‌ها می‌چرخاند؟ آیا وظیفه ستاره‌های هالیوود است که دست‌تنها با این کلیشه‌ها و صنعت سینما درگیربندند؟ مسلماً نه. اما قمار هم نیست آنها فقط به دادن پز فمینیستی جلو رسانه‌ها اکثفا کنند. ... واقعیت این است وقتی یک هنرپیشه هالیوودی خودش را به‌عنوان یک فمینیست معرفی می‌کند، دیگر انگیزه‌ای در او برای انجام اقدامات عملی برای اثبات فمینیست‌بودنش نمی‌بینیم. چون ستاره‌ها برای پرداخت قبض‌هایشان مجبور هستند فیلم باید کنند. بگذارید یک مثال بزنم: چندی پیش «اما واتسون»، بازیگر هالیوودی، کمپینی به‌عنوان «مردان برای زنان» راه انداخت و سخنرانی در سازمان‌ممل متحد هم داشت. درست پس از این سخنرانی ازسوی کمپانی والت‌دیسنی دعوت شد تا در فیلم «دیو و دلبر» به ایفای نقش بپردازد. چه موفقیت بزرگی برای فمینیست !؟ حتماً باید بازی در فیلمی با محتوای سکسیتی که یک مرد، دختری را می‌زدند و او را قلعه‌ای زندانی می‌کند، برای واتسون جالب باشد! شاید غیرمنطقی نباشد از واتسون پرسیم یا توجه به اینکه او فمینیست است، چگونه نقش‌هایش را انتخاب می‌کند؟ اما متأسفانه رسانه‌ها چندان به پرسیدن چنین سؤال‌هایی علاقه ندارند. این یکی از تضادهای اصلی‌ای است که همیشه وجود داشته است: شخصیت ستاره‌ها به صورت منفرد با تصاویری که آنها در ساختن‌شان نقش دارند، متفاوت است. یکی از دوستان نویسنده‌ام که کتاب «فمینیست بد» را در سال ۲۰۱۲ نوشته است، این موضوع را بسیار زیبا توضیح داده: «تا زمانی که چشمانمان به آخرین اقدامات فمینیست ستارگان هالیوود خیره شده باشد، از دین نابرابری‌هایی که زنان سرتاسر دنیا هر روز با آن مواجه هستند، عاجز خواهیم بود. تا وقتی نگاهمان به سمت فمینیست‌های هالیوودی است، حواسمان به نابرابری‌های اقتصادی بین زنان و مردان، خشونت‌های خانگی علیه زنان، محدودشدن آزادی‌های زنان و هزار مشکل دیگر آنها نخواهد بود. تا وقتی به آن سمت توجه داریم، صحبت‌کردن درباره تغییرات فرهنگی طولانی‌مدتی که باید در حوزه نابرابری علیه زنان اتفاق بیفتد، سخت است...». به‌همین‌دلیل باید از ستارگان فمینیست هالیوود یک سؤال جدی پرسیدی: باید از آنها پرسیده شود چگونه می‌خواهند در محیط کار خود و در گروه‌هایی که هستند، فمینیسم را عملی کنند؟ ... الان دیگر زمان آن نیست ببینیم چه کسی از حقوق زنان دفاع می‌کند، وقت آن نیست ببینیم چطور از آن دفاع می‌کنند؟»